

اعتبار در تفسیر

مجموعه فلسفه غرب | ۹۴ |

www.ketab.ir



این کتاب ترجمه‌ای است از:
Eric Donald Hirsch,
Validity in Interpretation,
Yale University Press, 1967.

سرشناسه: هرش، اریک دونالد، ۱۹۲۸-م. (Eric Donald) Hirsch, E. D.

عنوان: اعتبار در تفسیر

نویسنده: اریک دونالد هرش؛ مترجم: محمدحسین مختاری

مشخصات نشر: تهران: حکمت، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۳۴۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۱۳۲-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: *Validity in interpretation*, c 1967

یادداشت: نمایه

موضوع: هرمنوتیک

Hermeneutics موضوع

شناسه افزوده: مختاری، محمدحسین، ۱۳۴۴-، مترجم

رده‌بندی کنگره: PNA۱

رده‌بندی دیویی: ۸۰۱/۹۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۷۸۸۰۷۴



انتشارات حکمت

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوریحان، شماره ۹۴، کدپستی: ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۵

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۴۰۹۱ / ۶۶۴۱۵۸۷۹ / ۶۶۴۰۶۵۰۵ / ۶۶۴۰۶۵۰۵

۰۹۳۹۴۴۰۲۲۵۱

www.hekmat-ins.com

info@hekmat-ins.com



hekmatpub

hekmatpub

اعتبار در تفسیر

نویسنده: اریک دونالد هرش

ترجمه محمدحسین مختاری

ویراسته بخش ویرایش حکمت

چاپ دوم: ۱۴۰۰ شمسی / ۱۴۴۳ قمری

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۷-۱۳۲-۲۴۴-۹۶۴-۹۷۸

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

۹۵۰۰۰ تومان



فهرست

۹	یادداشت نویسنده بر ترجمه فارسی
۱۱	دیباچه مترجم
۱۵	مقدمه
۲۳	۱. در دفاع از مؤلف
۲۳	الف. حذف و اخراج مؤلف
۲۸	ب. معنای تغییرات یک متن - حتی برای مؤلف
۳۳	ج. آنچه مؤلف مدنظر دارد مهم نیست - فقط...
۳۷	د. معنای موردنظر مؤلف غیرقابل دسترسی است
۴۳	ه. مؤلف اغلب نمی‌داند چه معنایی را در نظر دارد
۴۹	۲. معنی و دلالت
۵۳	الف. تعریف معنای لفظی
۵۷	ب. قابلیت بازآفرینی: مخالفت‌های روان‌شناسانه
۶۷	ج. قابلیت بازآفرینی: مخالفت‌های تاریخ‌گرایانه
۷۲	د. تعیین: معنای لفظی و حکایت‌گری
۷۹	ه. تعیین: معانی ناآگاهانه و معانی حاکی از علامت
۸۷	و. تعیین: معنا و محتوای اصلی
۹۱	ز. تعیین: معنا و دلالت
۹۹	۳. مفهوم ژانر
۱۰۳	الف. ژانر، و ایده و تصور مربوط به کل
۱۱۰	ب. ژانرهای درونی

۱۲۴	ج. منطق ژانر و مسئله دلالت
۱۳۹	د. تاریخ‌مندی ژانرها
۱۵۰	ه. تنوع ژانرها و وحدت اصول
۱۶۹	۴. فهم، تفسیر و نقد
۱۶۹	الف. قیل و قال‌های مربوط به تفسیر
۱۷۶	ب. فهم، تفسیر، و تاریخ
۱۸۳	ج. داوری و نقد
۱۸۹	د. نقد درونی
۲۰۲	ه. آزادی مربوط به نقد و محدودیت مربوط به تفسیر
۲۱۳	۵. مسائل و اصول اعتباربخشیدن
۲۱۳	الف. قابلیت تفسیر در جهت تأیید و تثبیت خود
۲۱۹	ب. بقاء مناسب‌ترین
۲۲۴	ج. منطق اعتباربخشیدن: اصول احتمال
۲۳۲	د. منطق اعتباربخشیدن: شواهد تفسیری
۲۵۴	ه. روش‌ها، قوانین، قواعد و اصول
۲۶۷	ضمیمه ۱. تفسیر عینی
۲۷۱	الف. دو افق معنای متن
۲۸۴	ب. قطعیت معنای متنی
۲۹۷	ج. اثبات
۳۰۹	ضمیمه ۲. نظریه تفسیری گادامر
۳۱۲	الف. سنت و عدم قطعیت - معنا
۳۱۶	ب. تکرار و مسئله هنجارها
۳۱۷	ج. تشریح و امتزاج افق‌ها
۳۲۰	د. تاریخ‌مندی فهم
۳۲۴	ه. پیش‌داوری و پیش‌فهم
۳۳۱	ضمیمه ۳. ضمیمه تشریحی در باب انواع
۳۳۱	الف. این‌همانی انواع
۳۳۶	ب. معانی لفظی به‌عنوان انواع
۳۴۳	نمایه

دیباچه مترجم

اریک دونالد هرش^۱ اندیشمند آمریکایی متولد ۱۹۲۸ م، از حوزه عینی‌گرایی در تفسیر متن به شدت دفاع می‌کند و از منتقدان اصلی گادامر فیلسوف و دانشمند آلمانی به شمار می‌رود.

از دیدگاه هرش متن با آگاهی گره خورده است و مفسر باید بکوشد تا در فحوای کلمات این آگاهی و قصدیت را در قالب تفسیر فراچنگ آورد. به تعبیر وی گفتار متن هیچ وجود منطقی و معینی ندارد، مگر آنکه به وسیله یک نویسنده یا خواننده گفته شود. متن حتی به عنوان توالی کلمات هم وجود ندارد، و تا زمانی که تحلیل شود صرفاً توالی علامت‌هاست، زیرا گاهی اوقات ممکن است کلمات صرفاً هم‌آوایی داشته باشند (همان‌گونه که در مقایسه تمامی متون می‌تواند این چنین باشند) و گاه همان کلمات می‌توانند کلماتی متفاوت باشند.

از نظر هرش متن دارای معنای واحد است و مفسر آنچه از متن می‌فهمد همان قصد مؤلف است و در هیچ شرایطی این قصد تغییر نمی‌کند و از آن به معنای لفظی^۲ تعبیر می‌کند. از دیدگاه وی معنای لفظی همان چیزی است که نویسنده قصد دارد با استفاده از نمادهای زبانی منتقل کند و آن قابلیت انتقال را دارد. معنای لفظی می‌تواند به‌طور خاص‌تری به عنوان نوع اراده‌شده تعریف شود که نویسنده با نمادهای زبانی بیان می‌کند و می‌تواند توسط دیگران نیز از

1. Eric.D. Hirsch

2. verbal meaning

طریق آن نمادها درک شود. تأکید بر مفهوم نوع، اساسی به نظر می‌رسد زیرا تنها راهی است که بر آن اساس، این مفهوم از معنای لفظی می‌تواند موضوع تعیین‌کننده آگاهی باشد و از مضامین آگاهی فراتر رود.

این کار دفاع وفادارانه از مقصود مؤلف در برابر نظریه ادبی است که معنای متن را در تفسیر ذهنی خواننده در زبان متن، مستقل از مؤلف یا در سنت خواننده (گادامر و برخی پست‌مدرنیست‌ها) قرار می‌دهد. استدلال اصلی هرش این است که هدف تفسیر درک و توضیح مقصود نویسنده است. انجام این کار از طریق دانش مربوط و مناسب درباره زبان، مؤلف و جوانب مسئله تفسیری خاص است که توسط مفسر به وجود می‌آید. نقش «سنت» مفسر فراهم و آماده کردن مسئله‌ای است که مفسر در جست‌وجوی حل آن از طریق تفسیرش است.

از منظر هرش، زبان ارتباط از طریق علائم شفاهی است، که پیامی خاص را که شخص در نظر دارد به دیگران انتقال دهد، بیان می‌کند. این علائم توسط هر شخصی که با این زبان صحبت می‌کند و زمینه‌ای که در آن، پیام خاص مخابره می‌گردد، فهمیده می‌شود. بنابراین، زمینه در مورد مقصود در یک پیام تعیین‌کننده است. در حالی که گادامر تأکید می‌کند چون مفسر تنها می‌تواند زمینه تاریخی سخن را از درون سنت خویش درک کند، پس تفسیر نباید مدعی باشد که مقصود مؤلف را می‌داند. هرش بر این مطلب پافشاری می‌کند که هر کس می‌تواند به قدر کافی درباره زبان و تاریخ جامعه و فرد بیاموزد به گونه‌ای که قادر باشد معنای موردنظر مؤلف را تشخیص دهد. با وجود این، هنوز هم چند تفسیر مختلف می‌تواند به طور هم‌زمان معتبر باشد. این از آن جهت نیست که هر دریافتی از مقصود مؤلف همانند بقیه دریافته‌ها معتبر است، بلکه از آن نظر است که مسائل و پیچیدگی‌های تفسیری متفاوت‌اند.

دکتر هرش در این زمینه دو کتاب ارزشمند تألیف کرده است که مهم‌ترین آن کتاب *اعتبار در تفسیر*^۱ (منتشر شده در ۱۹۶۷) و کتاب *دیگر وی/هدف تفسیر*^۲ (منتشر شده در ۱۹۷۶) است. از آنجا که اغلب آرای هرمنوتیکی او در

1. *validity in Interpretation*

2. *The Aims of Interpretation*

کتاب نخست بیان شده و دارای اهمیت فراوانی است، لذا این حقیر بنا به توصیه مکرر اساتید محترم حوزه و دانشگاه به ترجمه آن دست یازیدم. لازم به یادآوری است کتاب/اعتبار در تفسیر در پنج فصل و سه ضمیمه توسط مؤلف آن تدوین و تنظیم شده است. هرش در این کتاب ضمن نقد مبانی هرمنوتیکی گادامر به گونه ای مستدل از عینی گرایی فهم جانبداری کرده و به ویژه در ضمایم کتاب مطالب سودمندی راجع به تفسیر متن آورده است. امید است این کتاب برای علاقه مندان مباحث هرمنوتیکی مفید و کارگشا باشد. از ویراستاران بخش ویرایش انتشارات حکمت و همچنین آقای سیدرحیم موسوی نیا (دانشگاه شهید چمران اهواز) که ضمایم کتاب را بازخوانی کردند، تشکر می کنم؛ همچنین از مدیریت محترم انتشارات حکمت در نشر این اثر کمال تشکر و امتنان را دارم.

محمدحسین مختاری